



اشاره: در مسیر بیداری اسلامی طی سالیان گذشته بحرین شاید تنها کشوری باشد که از ابتدا ثابت‌قدم و در یک مسیر مشخص حرکت کرده است، مطالبات مشخص داشته و از مسیر مطالبات خود کوتاه نیامده است اما این مساله به‌خاطر چیست؟ پاسخ را باید در پیوند امام و امت دید، بحرین تنها کشوری است که در مسیر بیداری اسلامی از روز نخست به فرمان امام خود قدم برداشته و هم امام خود را تنها نگذاشته و هم رهبری دینی این کشور لحظه‌ای از مبارزه عقب ننشسته است. پیوند این رهبر دینی را بر مردم بحرین می‌توان در روزهای اخیر و بعد از سلب تابعیت شیخ عیسی قاسم مشاهده کرد. اما شیخ کیست؟ و چرا این قدر در بحرین و در منطقه محترم است؟

■ **شیخی از نسل ماهیگیران پر هیز کار خلیج فارس**
آیت‌الله حجاج شیخ عیسی احمدقاسم الدرازی‌البحرانی، معروف به شیخ عیسی قاسم، فرزند احمد، سال ۱۹۳۸ میلادی در منطقه «الدراز» بحرین متولد شد. پدرش ماهیگیری بافتو بود و رزق حلال را مهم‌ترین تأکید خود برای پرورش کودکانش می‌دانست و همین مسیر باعث شد پسرش همواره به تدریس، تبلیغ و نشر آگاهی‌های دینی از طریق امامت جمعه و جماعت در مساجد بحرین و شرکت در مجالس دینی و سیاسی و احیای مناسبت‌های اسلامی بپردازد تا اینکه سمیل پدر روحانی و مربی فاضل قشر نخبه شیعیان بحرین قرار گیرد. شیخ قاسم به عنوان مرجع تقلید شیعیان در بحرین نیز شناخته می‌شود. شیخ عیسی قاسم تحصیلات مقدّماتی خود را در همان روستای محل تولد خود «الدراز» به پایان رساند. هوش و استعداد او مایه شگفتی همه شد؛ سپس با راهنمایی برادرش برای گذراندن دوران دبیرستان به شهر منامه، پایتخت بحرین، رفت و پس از آن، تدریس خود را در مدارس دولتی در ابتدای دهه ۶۰ آغاز کرد و تا سال ۱۹۶۲ در روستای ال‌دراز در مدرسه بدیع که همان مدرسه دوران تحصیل خودش بود به معلمی پرداخت، و هم‌زمان به تحصیل علوم دینی نیز اشتغال داشت. آیت‌الله شیخ عیسی قاسم، سال ۱۹۶۴ میلادی برای ادامه تحصیل علوم اسلامی به نجف اشرف هجرت کرد و تحصیلات دانشگاهی را در دانشکده فقه و اصول نجف اشرف ادامه داد و از اساتید بزرگ حوزه علمیه مانند شهید آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر استفاده کرد.

■ **بازگشت به بحرین یا توصیه آیت‌الله صدر**
پس از استقلال بحرین در سال ۱۹۷۱ میلادی چالش اصلی خاندان حاکم آل خلیفه، کسب مشروعیت سیاسی و تحکیم پایه‌های قدرت خود بود. از ایسن رو خاندان حاکم تلاش کرد با تدوین قانون اساسی و برگزاری انتخابات پارلمانی در نیمه اول دهه ۱۹۷۰ میلادی، با انگیزهٔ قانونی ساختن حاکمیت خود و مشارکت نسبی مردم زمینه این مشروعیت را فراهم آورد. با آغاز فعالیت برای تأسیس پارلمان بحرین که قصد داشت پس از شکل‌گیری کشور، کار تدوین قانون اساسی بحرین را به انجام برساند، مردم بحرین از شیخ عیسی قاسم خواستند با بازگشت به این کشور خود را برای عضویت در این پارلمان نامزد کند. شیخ عیسی بر ماندن در عراق و کسب مدارج عالیهٔ فقهی تأکید داشت اما توصیه آیت‌الله صدر او را ردگ گون کرد. آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر به وی گفت: «اگر در عراق بمانی، تو فقیه بزرگی می‌شوی اما وقتی به بحرین برگردی دیگر کشوری وجود ندارد که تو مسؤولیت هدایتش را بر عهده‌گیری». این تأکید جدی آیت‌الله صدر به شیخ عیسی او را مجاب کرد که ادامه تحصیل در نجف را رها کند و به کشورش بازگردد. در انتخابات پارلمان شرکت کرد و در عمل شیخ عیسی موفق شد که بالاترین رأی به پارلمان بحرین راه یابد و در کنار جریان اسلامگرای پارلمان، نقش مهمی در تدوین مواد و بندهای اسلامی در قانون اساسی بحرین ایفا کند.
سال ۱۹۷۱ میلادی، وی نامزد نمایندگی در مجلس ملی شد و یا به دست آوردن آرای لازم به

بحرین‌نس ترک کرد. خبر بازگشت وی به کشور با خوشحالی مردم بحرین همراه بود به‌گونه‌ای که استقبالی باشکوه که پیش‌تر در بحرین سابقه نداشت برای وی اتفاق افتاد. با ورود به بحرین، رسالت تدریس و آگاه‌سازی و پیدارسازی شیعیان بحرین نسبت به ظلم و استبداد آل خلیفه را بر عهده گرفت. نمازهای جمعه با امامت وی در مسجد امام صادق(ع) روستای ال‌دراز همواره از پرجمعیت‌ترین نماز جمعه‌های بحرین به شمار می‌آید. خطبه‌های وی در نماز جمعه همواره یکی از نگرانی‌های جدی آل خلیفه بوده است؛ زیرا یک سخن شیخ، برای مردم به منزله موضع ولی امری و مرجع تلقی می‌شود و می‌تواند در زمان کوتاهی، سرنوشت منطقه را تغییر دهد. محورهای اصلی خطبه‌های پرشور شیخ عیسی قاسم را می‌توان اینگونه بیان کرد:

– ایجاد همکاری و اتحاد بین شیعه و سنی
– وحدت اسلامی و ملی و جلوگیری از درگیری‌های فرقه‌ای

– احقاق حق و بازپس‌گیری کرامت و آزادی

– دفاع از زندانیان سیاسی

– خروج نظامیان آل‌سعود از بحرین و محکوم کردن اقدامات آنها علیه انقلاب بحرین

– اعتراض به هتک حرمت مساجد و اماکن مقدس

– پایبندی مردم به انقلاب و دست نکشیدن از

خواسته‌های خود تا پیروزی نهایی

■ **ویژگی‌های شخصی و شخصیتی شیخ قاسم**

پرهیزکاری، تسلط بر مسائل و جزئیات روز کشور و جهان، در کنار مهربانی و مردمداری و علم فراوان و تسلط بر مسائل فقهی، موجب شده شیخ، جایگاه بسیار با نفوذی در میان مردم بحرین بیابد و به جرأت بتوان گفت محبوب‌ترین روحانی در میان مردم بحرین باشد.
در او میان مردم پر‌خاست و این مردم بودند که به وی این جایگاه رفیع را بخشیدند. شهرت و معروفیت خود را از طریق رسانه‌ها و راضی و خشنود کردن آنها به دست نیابوده و به همین دلیل، شیعیان بحرین، همواره مطیع و فرمانبر اوامر، دستورات و اشارات او هستند. زیرکی در عملیات‌های روانی و تبلیغاتی و مانورهای سیاسی و فرهنگی، از دیگر ویژگی‌های شیخ است. عبادت از خانواده شهدا و جانبازانی که در حملات وحشیانه آل خلیفه مجروح شده‌اند و در بیمارستان‌ها و منازلشان بستری هستند، یکی از اشتغالات شیخ است که این اقدام وی، به کایوسی برای رژیم آل خلیفه و سعودی‌ها تبدیل شده و آرامش روانی را از آنها گرفته است. همچنین، روزی شیخ حماسی‌ترین سخنران شیخ عیسی قاسم بیش از ۴ کلمه نبود که در یکی از سخنرانی‌های نماز جمعه بر زبان راند «لن نرکع الا لله/ جز در برابر خدا سر خم نمی‌کنیم». ۴ کلمه‌ای که آل خلیفه را به خاک مذلت خواهد نشاند.

■ **پدری برای احزاب و جناح‌های سیاسی بحرین**
شیخ عیسی همچنین به عنوان پسر معنوی جمعیت ملی و اسلامی الوفاق شناخته می‌شود. این جمعیت از مهم‌ترین تشکل‌های سیاسی بحرین است که ۷ نوامبر ۲۰۰۱ / ۱۶ آبان‌ماه ۸۰ اعلام موجودیت کرد. این ساختار سیاسی، بزرگ‌ترین جمعیت سیاسی بحرین محسوب می‌شود که تعداد اعضای آن به ۲۵ هزار نفر می‌رسد و محوری‌ترین جریان سیاسی شعبه در این کشور شناخته می‌شود. بنیانگذاران این حزب، یکصد تن از علمای شیعیه بحرین، همچون دکتر «سعید الشهبانی»، شیخ «علی سلمان»، شیخ «عبدالامیر المجرمی»، استاد «عبدالوهاب حسین» و استاد «حسن المشیمع» بودند. ساختار تشکیلاتی الوفاق شیعیه به شورایعالی شیعیان لبنان موسوم به مجلس اسلامی لبنان است.
میتین‌سال شیخ ۲۰۰۴ مجلس علمای شیعیه بی تلاش آیت‌الله شیخ عیسی قاسم و آیت‌الله «سیدعبدالله العرفی» برای شکل‌گیری مجلس علماء، تشکیل شده؛ مجلسی که وظیفه داشت در مواقع حساس وارد عمل شود و اعتراضات و توصیه‌های خود را مطرح کند. این مجلس که همواره نسبت به فساد، ظلم و تبعیض موضع‌گیری کرده، بر این نکته نیز تأکید کرده که «ما به دنبال به دست آوردن مقام و حکومت نیستیم بلکه به دنبال عدالت برای تمام شهروندان بحرینی اعم از شیعه و سنی هستیم».

■ **رهبری انقلاب بحرین**

انقلاب بحرین علاوه بر اینکه «تهناترین انقلاب بیداری اسلامی» است، تنها انقلاب بیداری اسلامی است که دارای رهبری واحد است که همه گروه‌های معارض از «الوفاق» گرفته تا «اتلاف جوانان انقلاب» آن را باور دارند و از همین رو پس از شروع انقلاب و با وجود دخالت نظامی عربستان و امارات، نهناتن آتش انقلاب سرد و خاموش نشده که روز به روز شعله‌ورتر می‌شود. با آغاز قیام مردمی بحرین در چهاردهم فوریه ۲۰۱۱، شیخ عیسی قاسم به عنوان رهبر معنوی جنبش الوفاق بحرین به ریاست شیخ علی سلمان از جمله جنبش‌های معارض بحرینی است‌ آ هدایت مردم این کشور را جهت تبیین اعتراضات مسالمت‌آمیزشان نسبت به ظلم و ستم آل خلیفه و

نگاهی گذرا بر زندگی و فعالیت‌های آیت‌الله شیخ عیسی قاسم

امام بحرین

- میکائیل دبانی

مطالبه حقوق برحق‌شان از این خاندان جائر بر عهده گرفت و هر گاه آل خلیفه با ترغند و توطئه‌های خواسته با فریب مردم و به بهانه انجام مذاکرات و گفت‌وگو با معارضان آتش قیام آنها را فرونشانند، شیخ عیسی قاسم در کنار دیگر علمای این کشور با روشنگری‌های خویش، این ترغند آل خلیفه را نقش بر آب ساخته است.

■ **شکل‌گیری انقلاب ۱۴ فوریه**

نخستین اعتراضات مردمی بحرین ۱۴ فوریه ۲۰۱۱ / ۲۵ بهمن ۸۹، شکل گرفت و حدود ۲ ماه به درازا کشید که رژیم آل خلیفه درصدد توافق با رهبران انقلاب آمد. رهبران در گفت‌وگوها بر لزوم اصلاحات بنیادی در قانون اساسی به‌گونه‌ای که متضمن تغییر رژیم فعلی از «پادشاهی مطلقه» به «حکومت پارلمانی» باشند و مجلس سررشته امور مختلف کشور را در دست داشته باشد، تأکید کردند و بر کناری عوامل حکومتی از پست‌هایی مانند نخست‌وزیری و سریردن ادار امور به دست دولت منتخب مجلس را خواستار شدند. در این مرحله پادشاه بحرین توافق کرد گفت‌وگوها درباره نحوه و مراحل اجرایی شدن خواسته‌های مخالفان ادامه پیدا کند. رهبران احزاب و گروه‌های انقلابی ضمن موافقت با گفت‌وگو به حضور در میدان مرکزی منامه «ؤلؤلؤ» ادامه دادند تا ضمن به نتیجه رسیدن گفت‌وگوها به دست یابند. اما بعد از حدود ۲ ماه، گفت‌وگوها قطع شد

و رژیم آل خلیفه بشدت عمل روی آورد و از شورای همکاری خلیج‌فارس درخواست کمک نظامی کرد که به دنبال آن حدود ۲ هزار نیروی نظامی- امنیتی از عربستان و امارات راهی منامه شده و خیابان‌های اصلی و میدان مرکزی را به اشغال درآوردند. حملات نظام در سال اول انقلاب، حسینیه‌ها، اماکن مقدس و مساجد را در بر گرفت، همچنین رهبران معارض و در رأس آنها «آیت‌الله شیخ عیسی قاسم»، مورد حملاتی قرار گرفتند و با ادعای تحریک به کشتار، شکایت‌های قضایی صوری علیه وی انجام شد.

■ **مرحله دوم انقلاب**

مرحله دوم انقلاب ۲ سال به طول انجامید و در این مرحله رژیم آل خلیفه با بستن در بیمارستان‌ها و جلوگیری از ورود مجروحان جهت مداوا، اقدامات بی‌رحمانه خود را در کشتار پرستانران و بازداشت پزشکان به اوج رسانده و در پی آن تابعیت بحرینی بسیاری از عناصر کلیدی شرکت‌کننده در تظاهرات لغو شد و بسیاری دیگر از جمله رهبر انقلاب بحرین آیت‌الله شیخ عیسی قاسم تهدید به لغو تابعیت و اخراج از بحرین شدند که این در هیچ جای دنیا مرسوم نیست. این در حالی بود که نمازهای جمعه با شرکت انبوه تظاهر کنندگان برگزار می‌شد و در هر جمعه بر استمرار انقلاب تا تحقق خواسته‌های مردم تأکید می‌شد. رژیم آل خلیفه به «گفت‌وگو» گرایش نشان داد و شیخ «حمد»، پادشاه بحرین اعلام کرد حاضر است با مخالفان به توافق برسد. به لغو رژیم، عده‌ای از رهبران شامل بزرگ‌ترین حزب مخالف الوفاق که نیمی از اعضای پارلمان منحله را در اختیار دارد، از گفت‌وگو حمایت می‌کنند و گروه‌های دیگر که از گذشته هم اسفاقر رژیم را مطالبه می‌کرده‌اند، با گفت‌وگو مخالفت کرده و رو در روی هم قرار می‌گیرند. آیت‌الله شیخ عیسی قاسم، رهبر انقلاب و شخصیت‌های سیاسی و مذهبی این اقدام نیروهای آل خلیفه را محکوم کردند. حزب‌الله لبنان در بیانیه‌ای بورش عوامل رژیم آل خلیفه به منزل شیخ عیسی قاسم رئیس شورای اسلامی علمای بحرین در منامه و صفوف‌تان از هم پاشیده خواهد شد، شما هنگامی که با هم به درگیری می‌پردازید، رسوا خواهید شد». نیروهای امنیتی و نظامی بحرین بسیاری از تظاهر کنندگان در روستاهای این کشور را به دلیل رداصلاحات پیشنهادی توسط پادشاه بحرین سرکوب کردند. همچنین حملات خود را علیه اهالی منطقه ال‌دراز افزایش دادند که محل اقامت آیت‌الله شیخ عیسی قاسم به شمار می‌آمد.

■ **فتوای تاریخی شیخ: بالای جان فساد آل خلیفه**
شیخ عیسی قاسم که ریاست شورای علمای بحرین را نیز بر عهده دارد، اوایل سال ۲۰۱۲ میلادی (اواخر سال ۹۰ هجری خورشیدی) در پی تعرض و تجاوز گروهی از نظامیان وابسته به رژیم، به زنان

مسلمان بحرین، فتوایی تاریخی صادر کرد. وی با تأکید بر اینکه مردم نباید به ذلت و خواری تن دهند، از مردان این کشور خواست در صورت مشاهده تعرض نیروهای آل خلیفه به زنان و دختران، این نیروها را با خودروهای خود زیر بگیرند. آیت‌الله شیخ عیسی قاسم که در منطقه‌ال‌دراز بحرین سخن می‌گفت، اعلام کرد: «هر کسی را که مشاهده کردید در حال تعرض به یک دختر مؤمن است، او را زیر بگیرید». بله او را زیر بگیرید». پس از این سخنان بود که دیگر خبری از تجاوز و تعرض به زنان و دختران بحرینی مخابره نشد.

■ **تهدید به ترور شیخ قاسم**

۴ بهمن ۹۰ گروهی از مزدوران رژیم آل خلیفه که آشکارا سرسپردگی خود را به «خلیفه بن‌سلمان آل خلیفه»، نخست‌وزیر بحرین، اعلام کرده بودند، بر ترور و کشتن معارضان این کشور تأکید کردند. این مزدوران نخست‌وزیر بحرین که بر لباس‌های خود عکس خلیفه بن‌سلمان آل خلیفه را دارند و خود را «بنه‌الفتاح»، (فرزندان فاتح) می‌نامند، تهدید کردند در رأس معارضان بحرینی «آیت‌الله شیخ عیسی قاسم» را ترور خواهند کرد و به قتل خواهند رساند. در پی تهدید به ترور «آیت‌الله شیخ عیسی قاسم» از سوی آل خلیفه، «سیدمقتدا صدر»، رهبر جریان صدر در عراق، در بیانیه شدیدالتحنی در تاریخ ۶ بهمن ۹۰، به آل خلیفه هشدار داد در برابر این توطئه سکوت نکرد و همراه با ملت بحرین خواهد بود.

■ **هجوم وحشیانه به مسجد امام صادق**

نیروهای امنیتی بحرین باسداد جمعه ۲۳ اردیبهشت‌ماه ۹۰، به مسجد امام صادق(ع) محل برگزاری نماز جمعه به امامت آیت‌الله شیخ احمد عیسی قاسم در ال‌دراز واقع در نزدیکی منامه پایتخت بحرین حمله کردند. حسینیه‌ها، اماکن مقدس و منازل اطراف را محاصره کردند و متولی مسجد را که فردی پاکستانی بود، مورد ضرب و شتم قرار دادند و قرآن‌ها را نیز پاره کرده و دستگاه‌های کامپیوتر را شکستند اما این هجوم وحشیانه مانع حضور شیخ قاسم در همان روز برای اقامت نمازجمعه نشد.

■ **حمله نظامیان آل سعود به منزل شیخ عیسی قاسم**

نیروهای اشغالگر سعودی از آغاز خیزش مسالمت‌آمیز مردم بحرین به هدف کمک به رژیم آل خلیفه در سرکوب اعتراض‌ها به این کشور اعزام شده و همچنان در این کشور به سر می‌زنند. نیروهای نظامی رژیم آل خلیفه در اقدامی گستاخانه، روز جمعه ۲۷ اردیبهشت‌ماه ۹۲ در ساعت ۲ بامداد به منزل آیت‌الله شیخ عیسی قاسم بورش برده و در حالی که هنگام حمله نقاب به چهره داشتند علاوه بر ارباب زنان و کودکان، خسارت‌هایی را به منزل وی وارد کردند. نظامیان مسلح پس از حمله به منزل رئیس شورای اسلامی علمای بحرین، زنان و کودکان را در یک اتاق حبس کرده و به تخریب لوازم منزل پرداختند. آیت‌الله شیخ عیسی قاسم هنگام بورش این نظامیان مسلح در منزل حضور نداشت. در پی این اقدام تجاوزکارانه، این کشور صحنه راهپیمایی ده‌ها هزار نفری مردم در حمایت از وی بود. این تظاهرات بعدازظهر ۲۷ اردیبهشت ۹۲ پس از نماز جمعه در غرب منامه پایتخت بحرین برگزار شد. در پی این اقدام نیروهای آل خلیفه، احزاب، گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی و مذهبی این اقدام نیروهای آل خلیفه را محکوم کردند. حزب‌الله لبنان در بیانیه‌ای بورش عوامل رژیم آل خلیفه به منزل شیخ عیسی قاسم رئیس شورای اسلامی علمای بحرین در منامه محکوم کرد. در این بیانیه آمده است: «این بورش یک تجاوز آشکار و از بین بردن ارزش‌ها و حرمت‌های دینی و توهین به شخصیت‌های مذهبی به شمار می‌رود». عراقی، سخنگوی وقت وزارت امور خارجه، درباره حمله افراد به منزل شیخ عیسی اظهار داشت: «عنصر خشونت و ارباب و ورود سازماندهی شده به محل مسکونی افراد با هیچ منطقی سازگار نبوده و مغایر همه معیارهای اخلاقی، دینی و انسانی است. دولت بحرین ضمن عمل به مسؤولیت خود در دفاع از حقوق شهروندان، توجه داشته باشد که هتک حرمت علمای بزرگ، حمله و بورش به منازل مسکونی افراد و اعمال خشونت جز پیچیده‌تر کردن اوضاع ن نتیجه‌ای ندارد.»



از قم تا منامه: از فوتبال تا انقلاب

شیخ علی سلمان کیست؟

۱۵ ژانویه ۱۹۹۵ میلادی، «شیخ علی سلمان» روحانی جوان بحرینی، در همان هواپیمایی می‌نشیند که شیخ «حمزه‌الدیری» و شیخ «حیدر السنترتی» از انقلابیوسن بحرین را برای تبعید به لندن می‌برده شیخ الدیری به او گفت: «به خدا ما که تصورش را هم نمی‌کردیم تو هم زبان داشته باشی!» هیچ‌کس تصورش را هم نمی‌کرد او روزی زبانی برای سخن گفتن داشته باشد. شخصیت آرام و کم‌صحت و ساکتی داشت که به ادعان خودش، در نخستین خطبه‌ای که طی سال‌های تحصیلش در قم ایراد کرد، از شدت خجالت، از هوش رفت.

■ **طلبه‌ها هنوز هم می‌پرند او کیست؟**

او «علی سلمان احمد» است که سال ۱۹۶۵ میلادی، در روستای «البلاد القدیم» دیده به جهان گشود. کسانی که با «البلاد القدیم» آشنا‌اند، می‌دانند این روستا به ۴ بخش شمال و جنوب و شرق و غرب با باغ‌ها و بوستان‌ها تقسیم می‌شود و بوستان «عین قساری» بخش شرقی را از بخش جنوبی آن جدا می‌کند. بخش شرقی در واقع بخش بزرگ‌تر را تشکیل می‌دهد. کسی نمی‌داند این تقسیم‌بندی چگونه به وجود آمد و شکل گرفت و بیانگر چه بود، آیا واقعا فقط برای جدا کردن مناطق از یکدیگر جهت بازساختن آنها از هم یا اینکه نقشه‌ای…؟ کسی چیزی نمی‌داند. اما شیخ علی سلمان که ما درصدد آشنایی با او هستیم، در خانه‌ای زندگی می‌کند که گله جزه منطقه شرقی و زمانی جزه منطقه شمالی به شمار می‌آمده است. هر بخش دارای ۲ تیم فوتبال بود که مدام با یکدیگر مسابقه می‌دادند. گلمی این پیروز می‌شد و گلمی آن، تنها ۲ جا بود که ۲ بخش روستا را در یک‌جا گرد می‌آورد: مدرسه و صندوق خیریه.

■ **نخستین تجربه هدایت و رهبری**

هدایت تیم فوتبال روستا، درسهای بسیاری به او داد. به گفته شیخ، این رهبری و راهبری، کار بسیار خطیر و سختی بود. رهبری تیم فوتبال روستا به او اموخت که تحت هیچ شرایطی دواندیشی و عقل و حکمت را فراموش نکند. همچنین به او آموخت چگونه با هر کس با توجه به خصوصیات اخلاقی و شخصیتی و روان‌شناختی‌اش برخورد کند و مهم‌تر از آن، چگونه انتقادها و سرزنش‌ها و بی‌ویح‌ها را بشنود و آرامش و متانت خود را از دست ندهد. شاید بتوان گفت هدایت و رهبری تیم فوتبال روستا، پهنه‌ای شد تا شیخ جوان، هرآنچه را برای به دست

گرفتن رهبری بزرگ‌ترین جمعیت ۱۹۷۲ بحرین در آینده نیاز است، فراگیرد. سال ۱۹۸۲ میلادی که فعالیتها کارگسری در بحرین اوج گرفت، یکی از دانش‌آموزان مدرسه که هم به لحاظ سنی و هم به بزرگ‌تر از بچه‌های دیگر بود، وارد کلاس می‌شود، روی میز می‌کوبد و می‌گوید: نمی‌خواهیم درس بخوانیم! همه از کلاس‌های بیرون می‌زنند و به دلیل اعتصاب کنندگان ملحق می‌شوند، اما نیروهای امنیتی آنها را متفرق می‌کنند. سال ۱۹۸۲ میلادی، شیخ علی سلمان، در رشته ریاضیات، وارد دانشکده ریاض، پایتخت عربستان سعودی می‌شود. در آنجا نیز خوسی آرام و متین و محبوب و مورد احترام خود را از دست نمی‌دهد و هدایت تیمهای فوتبال دانشکده را تا سال ۱۹۸۵ میلادی برعهده می‌گیرد تا اینکه در این سال، شاهد وقوع آن تحول بزرگ در زندگی‌اش می‌شود. روز نهم مهر، مردم بزرگ ال‌دراز، با اعلام ممنوعیت خروج دسته‌های عزاداری در روستا از سوی رژیم آل خلیفه، روستا به محاصره نیروهای امنیتی درمی‌آید. در سالان باشگاه، تیم در زندگی‌اش می‌شود. روز نهم مهر، مردم بزرگ ال‌دراز، با اعلام ممنوعیت خروج دسته‌های عزاداری در روستا از سوی رژیم آل خلیفه، روستا به محاصره نیروهای امنیتی درمی‌آید. در سالان باشگاه، تیم در زندگی‌اش می‌شود. روز نهم مهر، مردم بزرگ ال‌دراز، با اعلام ممنوعیت خروج دسته‌های عزاداری در روستا از سوی رژیم آل خلیفه، روستا به محاصره نیروهای امنیتی از گزارگشت‌آور استفاده کرده و چند تن از عزاداران را بازداشت می‌کنند.

■ **بازگشت به بحرین و جانشینی شیخ «عیسی قاسم»**

سال ۱۹۹۲ میلادی است و شیخ سلمان پس از آنکه اجازه می‌یابد به میهن بازمی‌گردد. ابتدا قصد نداشت‌اقامتش در بحرین به درازا بکشد، می‌خواست برای ادامه تحصیل دیواره به قم بازگردد اما خواست خدا و روند امور، سرنوشت دیگری را برای وی رقم زده بود. در آن سال «شیخ عیسی قاسم» تصمیم می‌گیرد به قم سفر کند و همین موجب می‌شود شیخ علی سلمان برای ادای نماز و خطابه در مسجد «الخواجه» و همچنین جامع «ال‌دراز» به جانشینی شیخ عیسی قاسم انتخاب شود. شیخ سلمان، به جای شیخ عیسی قاسم، امامت جماعت شیعیان را برعهده گرفت. فاصله میان شیخ قاسم و شیخ سلمان فراوان است، سن، روش خطابه و جایگاه علمی- مذهبی آن دو قابل مقایسه نیست؛ یکی آیت‌الله و مجتهد جامع‌الشرایط است و دیگری، حجت‌الاسلام و نماینده مجلس؛ یکی رهبر است و یکی سرباز گوش به فرمان؛ اما هر دو از محبوبیتی مشله بین مردم بحرین برخوردارند. خودش در این‌باره می‌گوید: برای حضور در این فضا آدامگی نداشتم، چون نه سخنران و خطیب بودم و نه تمایلی به ایراد سخنرانی و خطابه داشتم. در اولین خطبه‌ای که در قم ایراد کردم، از هوش رفتم، چون با خصوصیات و ویژگی‌های اخلاقی و روحی‌ام منقالت داشت. بیشتر به دنبال سکوت و آرامش و تأمل و تفکر بودم.